

افراط گرایان اسلامی در کردستان کنونی

پروفسور شاکرو خدیویچ محوی*

مترجم: کامران امین آوه

برای بررسی مسائل مربوط به بنیادگرایی اسلامی در موقعیت کنونی کردستان لازم است به نقش این دین در سرنوشت تاریخی خلق کرد اشاره شود. نقش اسلام در رشد تاریخی ملت کرد تا حد قابل ملاحظه‌یی از نقشی که در سرنوشت دگر ملت‌های بزرگ منطقه - ایرانی ها، ترکها و بویژه عرب ها ایفا کرد، متمایز می شود. اسلام بویژه برای عربها اهمیت حیاتی هماهنگ کننده با پی آمدی کاملاً چشم گیر در عرصه‌های دولت سازی و فرهنگی داشت. چنانکه مشهود است، اسلام که شدیداً تمام فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی را کنترل می کرد، یکی از عوامل اصلی فعالیت‌های حیاتی در ساختار امپراتوری‌های ایران و ترکیه بود. نقش اسلام در سرنوشت کردها دارای ویژگی منحصر به آن بوده، ارزیابی آن نیاز به روش و شیوه برخورد ویژه دارد.

کردها یکی از اولین خلق‌هایی هستند که در سال‌های 30 سده هفتم در معرض تجاوز عرب‌های مسلمان قرار گرفتند. منابع تاریخی آن دوره، حاوی اسناد مهمی در رابطه با گسترش عمدتاً متکی به زور اسلام در سرزمین کردها است. این واقعیت که صرفنظر از گسترش سریع اسلام در عربستان و سرزمین‌های مجاور آن، این روند در سرزمین کردها تا قرن دهم به درازا کشید نکته‌یی قابل تعمق در این رابطه است. به پایان رسیدن روند یکپارچه شدن عربستان تحت لوای اسلام و آغاز توسعه‌طلبی عرب‌های مسلمان چون دو حلقه یک زنجیر در پی هم آمدند. در کمتر از یک ربع قرن، امپراتوری - خلافت مسلمانان از تعداد زیادی خلقها و کشورهای مختلف غیرعرب تشکیل شد. بدین ترتیب، عملاً از همان آغاز تبدیل شدن به یک دولت مذهبی، مساله ایجاد چنان سازوکاری که به واسطه ترکیب عمل مذهبی و عرفی بتواند هدایت سرزمینی بسیار بزرگ و چند زبانه را تامین کند در مقابل اسلام قرار گرفت. فاکتور "امت" یا ملت مسلمان تبدیل به یکی از اهرم‌های مهم عملی ساختن این ایده شد. تحت لوای "امت" می بایست خلق‌ها و گروه‌های مختلف اتنیکی** بر اساس پایبندی آنان به یک دین - اسلام متحد شوند. ایدئولوژی اسلام بر خلاف مسیحیت که مرزهای اتنیکی طرفداران خود را از بین نبرد، برابری تمام گروه‌های قومی پیرو اسلام را که سازندگان این جمع بودند، اعلام کرد. طبق این اصل، ایده تعلق داشتن به یک جمع مذهبی (اسلامی) جانشین خودآگاهی اتنیکی شد. با در نظر گرفتن ماهیت عمل‌های انجام گرفته از سوی اسلام، می توان از سیاسی شدن اولیه یا روند شکل گیری تعلیمات اسلامی - و در واقع، همزمان از روند سیاسی شدن آن سخن گفت.

عمل همگرایی اسلام نقش بزرگی در شکل‌گیری تفکری داشت که "برابر حقوقی" تمام اعضای امت، مبنای آن را تشکیل می‌داد. رژیم حاکم، حسودانه با درهم آمیختن عمل عرفی و مذهبی، در افکار توابع خود ایده خودآگاهی مذهبی را جانشین خودآگاهی اتنیکی کرد، تصویری که تمام مسلمانان را چون یک اتنیک محسوب می‌کرد.

اگر در مرحله اول گسترش اسلام، این سازوکار موجب متحد شدن خلق‌ها و سرزمینهای زیر سلطه استیلاگران شد، بعدها رسالت آن به حفظ فرمانبری خلقهای مختلف هم مسلک از حاکمان تبدیل شد. لازم به ذکر است، علیرغم اعلام مکرر برابری گروه‌های اتنیکی که وارد ترکیب امت می‌شدند، عملاً نمی‌شد از هیچگونه برابر حقوقی سخن راند. بدین ترتیب، در دوره خلافت عربها، حکمفرمایی آنها و همچنین ترکها در امپراتوری عثمانی و غیره بر مبنای امت تحقق پذیرفت. از همین جا می‌توان نتیجه گرفت که عمل یکپارچه سازی اسلام، امت و نورمهای تکمیل‌کننده آن، عملاً دارای اهمیت یکسانی برای ملت زمامدار پیرو اسلام از یک سو و ملت‌های تحت فرمان هم مسلک از سوی دیگر نبود. در مورد اول موجب رشد خدمات دولتی، فرهنگی و غیره (مثلاً برای عربها) شد و در مورد دوم (تا آنجایی که ممکن بود) باعث قطع تمام خودویژگی‌های ملی و توقف و ممنوعیت تمام چیزهایی شد که می‌توانستند موجب رشد مستقل اتنیکی شوند (برای نمونه کردها). این ساز و کار در تمام مناطقی که کردها در ترکیب خلافت امپراتوریهای ایران و عثمانی قرار می‌گرفتند به اجرا در آمد. بر همین اساس میتوان از نقش بازدارنده اسلام در روند رشد خودآگاهی کردها سخن گفت. در شرق دور و میانه کنونی، اعتلاء بی سابقه ملی‌گرایی و نفوذ آن در تمام حوزه‌های حیات اجتماعی مشاهده می‌شود. این روند همراه با افزایش هر چه بیشتر نقش اسلام است، چنانکه مشهود است سیاسی شدن شدید اسلام بویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران شروع شد. یکی از مظاهر آن - اسلامی شدن ملی‌گرایی است، مجموعه عواملی که شاخص این ملی‌گرایی هستند از طریق منشور مفاهیم اسلامی ارائه می‌شوند. لازم به ذکر است که صرفنظر از یکسان نبودن سطح فعالیت این اسلام سیاسی در مناطق و کشورهای مختلف، اکنون افزایش نقش چنین ملی‌گرایی در حیات اجتماعی - سیاسی خلق‌ها و کشورهای مختلف دیده می‌شود. این پدیده در رابطه با دو عامل وابسته به هم میباشد.

1. اسلام - سیاسی‌تر از تمام مذهب‌های دیگر جهان است، بدین ترتیب، بطور وسیع‌تر و فعالتر در تمام روندهای اجتماعی - سیاسی و بویژه نوع حاد آن حضور دارد. به گفته آیت الله خمینی "اسلام یک دین سیاسی مقتدر است. در اسلام احکام سیاسی کمتر از احکام مذهبی نیستند¹". به اعتقاد محمد نسیم مهدی عالم الهیات اسلامی، "دین اسلام در احکام اصلی خود، مومنان را برای تشکیل ساختار سیاسی فرا می‌خواند ... کسانی می‌گویند که

سیاست باید از دین جدا باشد. برای اسلام این به معنای چند تکه کردن آن به وسیله شمشیر است. اسلام غیر سیاسی مرده و بی حرکت است". مدت‌ها است که سیاسی شدن اسلام مورد توجه متخصصین قرار گرفته است. در این رابطه، اظهار نظر پترسویتکف اسلام شناس روس در سال 1912 میلادی جلب توجه می‌کند: "اسلام به یاری شمشیر به یک دین بزرگ سیاسی تبدیل شده، توانسته شرق را به گونه‌ی یکپارچه متحد کند، احتمالاً، نیرویی واحد، که قادر است حتا با مسیحی‌ها برای تسلط بر جهان مبارزه کند" 2.

2. اکثر مسائل حاد و حل نشده بین دولتی و بین المللی مربوط به مناطق و کشورهایی از جهان است که در آنجا اسلام دین حاکم می‌باشد. این کشورها از اعمال مشترک و سامانگرمعینی برای به اجرا درآوردن هدفهای سیاسی شان بهره گرفته‌اند.

یکسری پیش زمینه‌ها موجب فراهم شدن شرایط لازم برای سیاسی شدن اسلام و فعال شدن فاکتور اسلام در مرحله کنونی شده است. بدیهی است که اعتلاء موج ملی‌گرایی و وخامت مناسبات بین خلقها در مقیاسی وسیع، یکی از فاکتورهای فعال شدن اسلام‌گرایی و افراط‌گرایان اسلامی در پیوندی تنگاتنگ با آن است. همین امر بطور قابل ملاحظه‌ی پی‌آمد تلاشی نظام استعماری و به وخامت گرائیدن مناسبات مابین مستعمره‌های قبلی و کشورهای وابسته از یک طرف، و متروپول‌ها (سرزمینهای امپراتوری - مترجم) از طرف دیگر است. عمیقتر شدن جدایی در بین دو گروه از کشورهای نامبرده فوق، اساس این پدیده را تشکیل می‌دهد. برخلاف نظر غالب در آغاز سالهای دهه 60 که مبنی بر کاهش و از بین رفتن تدریجی شکاف در سطح رشد کشورهای وابسته سابق و متروپول‌ها بود، این امر نه تنها برطرف نشد بلکه بسی عمیقتر هم شد. اسلام سیاسی شده به بستر مساعدی برای رودرو قرار دادن جهان اسلام با جهان مسیحیت دست یافت. جالب توجه اینکه، این رسالت در بعضی موارد بطور مستقیم یا غیر مستقیم از سوی برخی محافل حاکم در کشورهای جهان سوم، چون وسیله‌ی برای سلب مسئولیت از عدم موفقیت خط مشی سیاسی شان در دوره بعد از کلونیالیسم، ترغیب نیز می‌شد. مقابله ردیف کاملی از کشورهای مسلمان با غرب آنچنان مشخصه بغرنج و حادی به خود گرفت که یکسری از نشانه‌های آن، پایه‌ی برای نتیجه‌گیری شتابزده جنگ تمدنها شد (ساموئل هانتینگتون).

دلایل کافی برای تائید این امر وجود دارد که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نقطه شروعی برای افزایش موج ملی‌گرایی افراطی و در پیوندی تنگاتنگ با آن، اسلام‌گرایی در فضای دول شوروی سابق و خارج از آن شد. جنبه دیگر مساله‌ی که به آن اشاره شد مربوط به بحران و شکست اندیشه‌های مارکسیسم و سوسیالیسم در کشورهای جهان سوم است. چنانکه مشهود است، از آغاز سالهای دهه 60 سده گذشته، اندیشه‌های سوسیالیستی و مارکسیستی بطور گسترده‌ی در کشورهای "جهان سوم" شایع شدند. این اندیشه‌ها در حیات اجتماعی - سیاسی جامعه جایگاه چشمگیری داشته، پیروان آنها پست

های مهمی را نیز در ساختارهای دولتی بعد از کلونیالیسم اشغال کردند. پس از فروپاشی سیستم سوسیالیستی و بحران شروع شده، خلاء اجتماعی - سیاسی قابل ملاحظه‌ایی بوجود آمد. اسلام با استفاده از موقعیت ایجاد شده و همچنین به برکت اعمال مشترک و سامانگر سنتی خود توانست در حد قابل ملاحظه‌ایی این شکاف را پر کند. در این پروسه عمیق، عامل مذهب بطور گسترده‌ایی فعال شد و بدین ترتیب، سیاسی شدن سریع اسلام جای خاصی را به خود اختصاص داد. در نتیجه، عامل اسلام در تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی - سیاسی حضور عینی یافت. با توجه به نکات یاد شده در فوق، می توان به این نتیجه رسید که جنبش ملی و رشد یافته کرد در مرکز شرق مسلمان نمی توانست مورد توجه دقیق سازمانهای اسلامی قرار نگیرد. لازم به ذکر است، در اینجا موضوع مورد بحث ما نقش اسلام و همچنین دین های دیگر جهان به مثابه دینی دخیل در سرنوشت بشریت که خارج از چارچوب ارزشهای بنیادگرایی باشد، نیست. این مساله مربوط به ویژگی اسلام در مرحله کنونی است، که در اشتیاق شدید (Passionarnt)*** و رنسانس آشکار آن تجلی یافته، تاثیری جدی بر حیات اجتماعی - سیاسی جهان اسلام می گذارد³.

فعال شدن اسلام گرایان در کردستان قبل از هر چیز در رابطه با حوادث سرنوشت سازی است که در دهه‌های اخیر بوقوع پیوست. چنانکه معلوم است، از آغاز سال های 90 سده گذشته مبارزه کردها برای رسیدن به خودمختاری وارد مرحله جدیدی در رشد خود شد. روند خودمختار شدن جنوب کردستان (عراق) حالت برگشت ناپذیری به خود گرفت. در نتیجه، این بخش از کردستان به یک موضوع مورد توجه دقیق جامعه جهانی تبدیل شد. بدین ترتیب، این مساله نمی توانست مورد توجه اسلام سیاسی قرار نگیرد. یادآوری می کنم که الگوی ارزشهای اسلام تاثیر بسزایی در شکل گیری سازمانهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشت. هرگونه فراخوان (دعوة) اسلامیهتها، " صرفنظر از پوشش مذهبی بیرونی آن، عمیقا سیاسی شده است"⁴. اسلامیهتها به توده‌های مردم کرد که تحت فشارهای اجتماعی - اقتصادی و ملی قرار دارند ایده ساده و موثری را پیشنهاد می کنند: تمام خلقهای پیرو اسلام برادرند، امت اسلامی همه آنها را متحد میسازد. تمام مشکلات موجود را نه تنها ممکن است، بلکه لازم است در مطابقت با قانون شریعت حل و فصل کرد.

خطر ناشی از اسلام گرایی برای جنبش ملی کرد نه تنها در این است که کردهایی را که تحت تاثیر جزمهای شریعت قرار گرفته‌اند از مسیر مبارزه برای حقوق ملی و اجتماعی آنها منحرف می کند، بلکه موجب تفرقه و جدایی این ملت نیز میشود که بخش قابل توجهی از آن پیرو کاکائی (کردهای کاکایی اسلام را نپذیرفته، اعتقاد به دین ویژه‌ایی به نام "کاکائی" دارند)، علی الهی، ایزدی، مسیحیت و غیره هستند. برخورد شدیداً منفی

اسلامیستها با سیاستهای حکومت ملی کردها که در مسیر اعتقادی دیگری قرار دارد، تصادفی نیست، کردهای ایزدی و ایزدیسیم نیز مورد تعقیب و تضییقات آنها قرار می گیرند. در شرایط اعتلای خودآگاهی ملی کردها و آزادی مذهبی در کردستان عراق، درک این مساله که ایزدی - دین اصلی کردها در دوران پیش از اسلام بوده، اهمیت ویژه‌ی کسب می کند. کردهای مسلمان غالباً از لالش که پرستشگاه ایزدی ها است - بازدید می کنند. در مدارس منطقه (اقلیم کردستان - مترجم) به موازات تدریس اسلام، اصول ایزدی نیز آموخته می شود. نسبت به اعتقادات دیگر موجود در کردستان که مطابق با خط مشی اسلامیستها نیز نیست، مدارا می شود. در مرحله کنونی هدف و برنامه اسلامیستها کردستان را می توان بطور مشروط در دو جهت دید:

الف) در برنامه اسلامیستها برای تمام کردها، تلاش آنها در جهت نگه داشتن جنبش ملی کرد در مسیر سیاست اسلامی و دور کردن توجه آنها از حقوق ملی - دمکراتیک کردها، حفظ وضع موجود (Status quo)، و برهمین اساس، مبنا قرار دادن امت اسلامی است که ظاهراً حقوق یکسان خلقهای پیرو اسلام را اعلام کرده، اما در عمل حق تعیین سرنوشت کردها را نفی می کند.

ب) اسلامیستها در جنوب کردستان که اکنون کانون مرکزی جنبش ملی است مانع رشد روند خودمختاری هستند. برای رسیدن به این هدف از یکسری اشکال و شیوه‌های کامل مبارزه مانند: اختلافات مذهبی - بین قومی و سرآخر ترور استفاده می کنند. در آخر ماه ژانویه سال 2004 دهها نفر از مردم و از جمله یکسری از نمایندگان الیت کرد در اربیل پایتخت منطقه خودمختار کرد قربانی آخرین حمله تروریستی آنها شدند.

برای گسترش تاثیر اسلامیستها در کردستان از اشکال و شیوه‌های مختلفی استفاده میشود. این رسالت را مجلات، روزنامه‌ها، کانالهای تلویزیونی که مبلغ اندیشه اسلام گرایی هستند، مساجد جدید که بخش قابل ملاحظه‌ی از آن با سرمایه کشورهای خارجی ساخته شده‌اند و همچنین موسسه‌های خیریه اسلامی، سرپل ها و پایگاه‌های مسلح اسلامی (برای نمونه در منطقه حلبجه) بعهدہ دارند. گزارشهایی که بطور علنی پخش شده، نشانگر کمکهای مادی "القاعده" در برخی موارد و بویژه از طریق "موسسات خیریه اسلامی" مانند "الاقصا" (آلمان)، "سازمان جهانی کمکهای اسلامی" (س.ج.ک.ا، بریتانیا)، "سرزمین مقدس" (ایالات متحده آمریکا) و غیره به اسلامیستها است. بنابراین اظهارات ابو انزور مسلمان افراطی فیلیپینی، شعبه سازمان جهانی کمکهای اسلامی در مانیل توسط بن لادن چون پوششی برای گروه‌های تروریستی ایجاد شد.

در نهایت، حزبها و سازمانهای اسلامی در کردستان مروج اسلام گرایی هستند. در تمام اسناد برنامه‌ی احزاب و سازمانهای اسلامی کردستان، از جزمهای شریعت بعنوان وسیله‌ی بی بدیل برای حل مسائل حاد جامعه یاد میشود. در همین رابطه، یکی از

اهرمهای کلیدی اسلامیستها برای آماده کردن ذهنیت کردها جانشین سازی به اصطلاح هویتی است، که نه در رابطه با ملت کرد یا سنن فرهنگی - ملی یا تاریخی آن، بلکه به شکل القاء ایده هویتی در پیوند با امت اسلامی یا در واقع با "جامعه جهانی اسلام" است⁶. بنابر عقیده تئوریسینهای اسلام گرا، تمام پیروان اسلام، صرفنظر از زبان، محل زیست، مناسبات اقتصادی و غیره ملت واحدی را تشکیل می دهند. " بنابر نوشته یکی از یزدانشناسان اسلامی، مساله ملی جایی در واژگان کنونی تعالیم اسلامی ندارد. طبق این تعالیم، دین و ملت یکسان قلمداد می شوند. در مقابل تعالیم اسلامی تنها یک اسلامیت واحد جهانی و برادری و یگانگی تمام ملیتها تحت لوای پرچم اسلام وجود دارد⁷. در نتیجه، عامل اسلام چون تنها وسیله شکل گیری نگرش کردهای مومن بارها در مسیر اهدافی که مطابق با منافع کردستان نبوده، مورد استفاده قرار گرفته است.

در مرحله کنونی برای تعیین نقش اسلام گرایی در سرنوشت کردها، تشریح مقایسه‌ی مبارزه خلق کرد از یکسو، و خلقهای دیگری که پیرو اسلام هستند از سوی دیگر جلب توجه می کند. کاملاً مشهود است که دولتهای اسلامی و بویژه سازمانهای جهانی اسلامی چون قانونی به اشکال و اندازه‌های مختلف به خلقهایی که پیرو اسلام بوده و در حال جنگ و ستیز با دولتهای مرکزی هستند، کمک می کنند. همین نیز ربطی به ماهیت این جنبشها مانند: خودمختاریخواه، تجزیه طلب، الحاق گرا، اعتراضی و غیره ندارد. بعنوان مثال میتوان از اریتره، کوسوا، چین، بوسنی هرزگوین، جنبش اسلامی "ابو سیف" در فیلیپین و غیره یاد کرد. این کمکها به صورت پشتیبانی مالی، ارسال اسلحه، تربیت کادرهای نظامی، اعزام مجاهدین به مناطق جنگی و غیره است. کردها یگانه خلق پیرو اسلام هستند که در خارج از چارچوب این " اتحاد اسلامی" قرار گرفته‌اند.

مستثنا بودن خلق کرد از این قاعده در رابطه با ماهیت کاملاً سکولار آن می باشد. "پشتیبانی اسلامی"، "اتحاد اسلامی" در رابطه با کردهایی که برای رهایی ملی مبارزه می کنند متوقف می شود، چرا که، در این مورد، منافع ملی - دولتی سه ملت صاحب دولت منطقه - عربها، ترکها و فارسها در مقابله طولانی و حاد با منافع کردها قرار دارد که چهارمین ملت را از نظر تعداد در شرق نزدیک و میانه تشکیل می دهند. به گفته‌ی دیگر، تصادم درمنافع ملی - اتنیکی ملت‌های فوق الذکر در یک طرف و کردها در طرف دیگر وجود دارد. در چنین موقعیتی، عامل اسلام به جای نقشی مذهبی، نقشی کاملاً سیاسی ایفا می کند. در اینجا ما بطور مشخص شاهد نمونه بارزی از به اصطلاح همبستگی اسلامی به شکل یک پدیده سیاسی شده هستیم که در چارچوب آن، کارت منافع دولتهای مشخص و بطور عمده دولتهای شرقی و در برخی موارد غربی ورق می خورد. این امر که تحت پوشش مذهبی، نقشه‌هایی هدفمند با جهت گیری سیاسی طراحی می شود به اندازه کافی روشن است. اسلامیزه شدن جنبش های فوق الذکر یکباره و سریع صورت نگرفته است.

برای نمونه حرکاتی که در چین، کوسوا و مناطق دیگر روی داد در آغاز زیر لوای اسلام گرایی نبود. روند اسلامی شدن دیرتر صورت گرفت. در واقع این مساله به خاطر قوت گرفتن گرایشات مذهبی مردم این مناطق نبود. در حقیقت، رشد روند اسلامی شدن این جنبش ها بر پایه عواملی با ماهیت کاملاً سیاسی، زمانی صورت گرفت که آنها در مسیر برنامه‌های دولتی، ژئوپولیتیکی یکسری از دولتهای مسلمان شرق قرار گرفته، مورد استفاده غرب نیز قرار گرفتند.

در کردستان کنونی عامل اسلام در پروژه مورد بررسی قرار گرفته، بطور عمده دارای عمل و نمود دیگری از نظر شکل و تا حدی بیشتر از نظر مضمون است. اهداف و برنامه جنبش ملی کرد منطبق با برنامه اسلامیها نبوده، ماهیت مناسبات متقابل آنها را مشخص می کند. لازم به توجه است که، تمام کارهایی که توسط سازمانهای اسلامی در جنوب کردستان و بخشهای دیگر کردستان تقسیم شده صورت می گیرد نه تنها مورد تائید و حمایت رژیمهای تئوکرات بلکه دولتهای سکولار شرق نزدیک و میانه نیز قرار می گیرد. چرا که برای آنها نه شیوه‌های این مبارزه، بلکه انجام تدابیری که در مقابله با رشد جنبش ملی کرد باشد مهم است. ارتباط احزاب و سازمانهای اسلامی کردستان با سازمانهای جهانی اسلامی با توجه به حمایتهای مادی آنها از کردهای اسلامیست و بیشتر به لحاظ چارچوب بنیادی خط مشی برنامه‌ی سازمانهای اسلامی کردستان به اثبات میرسد. فعال شدن عامل اسلام در حیات جامعه کرد و سازماندهی دسته‌های اسلامی به آغاز سالهای دهه 80 میلادی، در واقع، دوره پس از انقلاب اسلامی در ایران برمی گردد. از سازمانهای اسلامی که در کردستان بوجود آمدند، سازمانهای زیر کم و بیش شناخته شده هستند: " حزب اسلامی کردستان"، " جنبش کردهای مسلمان - فیلی"، " حزب الله"، " مکتب قرآن"، " جندالاسلام"، " برادری مسلمان"، " جنبش اسلامی کرد"، " نیروی سوران"، " التوحید"، " انصارالاسلام". چون قانونی، این سازمانها ماهیتی توده‌یی ندارند. با وجود این، نفوذ و تاثیر آنها در حیات اجتماعی - سیاسی محسوس است. وضعیت پیش آمده در رابطه با امکانات مالی و مادی کافی این سازمانها است که بطور عمده از خارج دریافت کرده، فعالیت آنها مورد حمایت مالی برخی دولتها (ایران، عربستان سعودی، لیبی، امارات متحده عربی و دیگران) قرار میگیرد. اسناد برنامه‌ی این سازمانها نشانگر اهداف و جهت گیری فعالیت آنها است. همه آنها چون قانونی ایده اشتراک منافع خلقهای پیرو اسلام را تبلیغ می کنند. این " اشتراک" به قدرت مردم - در سرزمین مادری برمیگردد. چنین چیزی در بند 8 برنامه " حزب اسلامی کردستان" بدین شکل فرموله شده است: " کردستان بخشی از میهن اسلامی است که خلق کرد در آنجا زندگی می کند" (ماده اول). در ادامه: " حزب اسلامی کردستان بخشی از جنبش جهانی اسلام است" (ماده دوم) 8.

موضع و علاقه اسلامیستها در رابطه با روند ایجاد دولت ملی و تغییرات دموکراتیک در کردستان عراق ناشی از نقطه نظری است که مورد بررسی قرار گرفت. آنها به مخالفت با هر چیزی که خارج از چارچوب جزمهای شریعت باشد برمیخیزند. بندهای بعدی برنامه حزب فوق الذکر، دلایل مخالفت اسلامیها علیه اصلاحات دموکراتیک را در جنوب کردستان روشن می سازد. " هر گونه نظر و تصمیم حزب اسلامی کردستان که در تضاد با قرآن و سنت باشد فاقد اعتبار بوده، قابل اعتماد نیست"9. در ادامه، احکامی در رابطه با لزوم "ممنوعیت فعالیتهای متضاد با قانون شریعت"10 آمده است. ماده شماره 8 برنامه حزب اسلامی کردستان نشانگر چگونگی خطری است که از سوی اسلام گرایی جهانی جنبش ملی کرد را تهدید می کند: "حکومت اسلامی کردستان همراه با دیگر حکومتهای ملل مسلمان می تواند دولت متحد ملتهای مسلمان را تشکیل دهد"11. این مساله به سادگی قابل فهم است که "دولت متحد ملتهای مسلمان" با توجه به نکات زیر در مقابله با منافع ملی کردها قرار دارد. اول اینکه، ایجاد دولت بر اساس قوانین شریعت مغایر با اصول دموکراتیک جامعه و ساختار دولت مدرن ملی است، دوم اینکه، تجربه قرار داشتن کردها در کشورهای اسلامی و در چارچوب "امت اسلامی" به گونه‌ی شفاف نشانگر نقش اصلی بازدارنده عامل "یگانگی اسلامی" در روند تعیین سرنوشت کردها در رویدادهای تاریخی گذشته و حال آن بوده است.

با توجه به نکات گفته شده تصادفی نیست که اسلامیستها بخش جنوبی کردستان یعنی کردستان عراق را بعنوان جبهه عملیات ضربتی شان انتخاب کرده‌اند. علت این کار روشن است: چرا که درست همین بخش از کردستان کانون مرکزی جنبش ملی کرد می باشد. انجام اصلاحات دموکراتیک و موفقیت‌های قابل ملاحظه در مسیر ایجاد جامعه مدنی در این بخش از کردستان موجب نگرانی بزرگ نیروهای ضد کرد شده است. اسلامیستها قاطعانه بر علیه این روند مبارزه می کنند. نمونه‌ی مشخص از پیام سازمان "جندالاسلام" ("سپاه اسلام") به کردها (01.09.2001): " سالهای طولانی برادران مسلمان شما مشغول تدارک جنگ مقدس برای پاکسازی اخلاقی و معنوی منطقه هستند" (کردستان - ش. محوی)12. اسلامیستها اعلام جنگ علیه فعالین حزب دموکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان، دیگر احزاب دموکراتیک و دولت ملی در جنوب کردستان را با اعلام "خطری که اسلام و ارزشهای اسلامی را تهدید می کند و لزوم اتحاد تمام پیروان اسلام تحت شعار جنگ مقدس علیه کفار و دشمنان اسلام"13 توجیه می کنند. در ادامه این بیانیه آمده است " مردم باید بفهمند که منطقه (کردستان - ش. محوی) نیاز به حفظ و دفاع از پاکی اسلام دارد. ما باید جنگ بیرحمانه مقدسی را علیه کفار، مبلغین سازمانهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که سعی در به زیر یوغ کشیدن کردستان مسلمان دارند و به کمک آنها یهودیها و مسیحیها تلاش می کنند پایه‌های اسلام را در کردستان تخریب کنند، آغاز کنیم"14. سازمانهای افراطی اسلامی در کردستان: "برادری مسلمان"، "جنبش اسلامی کرد"،

"نیروی سوران"، "التوحید" و دیگران فعالیتهای تروریستی را با تبلیغات بنیادگرایی اسلامی توأم می‌کنند. آنها برای انجام این مأموریت به هم کمک کرده، از خارج نیز کمک دریافت می‌کنند. شواهدی دال بر دریافت 600 هزار دلاری "جندالاسلام" از "القاعده" بن لادن وجود دارد.

اسلامیستها بطور آشکار نه تنها علیه احزاب اصلی کردستان عراق بلکه علیه سازمانهای اسلامی که با اهداف و تاکتیکهای مبارزه آنها همسو نیستند، مبارزه می‌کنند. در منطقه خودمختار کردستان شرایط کاملاً مساعدی برای تأمین خواستههای مذهبی و معنوی مردم آن فراهم شده است. حق تعیین سرنوشت کردها و دادن حق تقدم به عامل ملی - اتنیکی مایه‌ی ناخرسندی اسلامیستها و مدافعین آنها است. آنها دولت ملی و قانونی کردستان عراق را برسمیت نمی‌شناسند. در این رابطه آنها نه تنها با رژیم سابق صدام حسین در بغداد و سازمان اطلاعات و امنیت او، بلکه با دولت‌های همسایه که با خودمختاری کردها مخالفت می‌ورزند، در یک تیم قرار می‌گیرند. اسلامیستها در مطابقت کامل با نکات یاد شده، در برخی مناطق تحت کنترل موقتشان، قوانین سخت شریعت را به اجرا گذاشتند. هرگونه تمرد و نافرمانی مطابق با قانون شریعت به شدت مجازات می‌شد. در فوریه سال 2001 در اربیل، فرانسوا حریری یکی از فعالین با نفوذ آسوری - مسیحی حزب دمکرات کردستان و همچنین نویسنده معروف کرد، مولف کتاب "مردم و قرآن" بدست آنها کشته شد، انفجار در دفتر برنامه‌های بشر دوستانه سازمان ملل متحد، خرابکاریهای متعدد در مراکز صنعتی، گردن زدن 25 تن از پیشمرگه‌های کرد، طرح سوء قصد به جان برهم صالح از رهبران اتحادیه میهنی کردستان (و معاون کنونی نخست وزیر عراق - مترجم) و غیره از جمله فعالیتهای دیگر اسلامیستها است. تروریست‌های "انصارالاسلام" شوکت مشیر نماینده پارلمان کردستان را نابکارانه به قتل رساندند. فاکت های بسیاری نشانگر ارتباط بنیادگران اسلامی در کردستان با بن لادن است. برای نمونه، اخیراً روزنامه عربی "الزمان" چاپ لندن، گزارشی مبنی بر ارتباط فاروق حجازی رئیس مخابرات (سازمان اطلاعات و امنیت) عراق با بن لادن را جهت هماهنگ کردن مبارزه علیه کردها منتشر کرد¹⁵ (فاروق حجازی در آوریل 2003 توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد - مترجم).

لازم به توجه است که یکی از عوامل بوجود آورنده افراط گرایی اسلامی عدم حل و از آن هم بیشتر، مزمن شدن مشکلات اجتماعی - اقتصادی، ملی - سیاسی و وضعیت بحرانی جامعه است. بدین ترتیب، شدت فعالیتهای اسلامیستها و تا حدی رشد و نفوذ آنها به واسطه سالهای 90 (سده گذشته - مترجم) و شروع درگیریهای نظامی حزب دمکرات کردستان با اتحادیه میهنی کردستان که مورد تأیید مردم نبود و همچنین وضعیت سخت اجتماعی - اقتصادی قشر وسیعی از مردم برمیکرد.

بعدها به نسبت حل و فصل شدن اختلافات حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان و تلاش مشترک آنها برای وحدت نیروهای ملی - دمکراتیک کردها، بهبودی قابل ملاحظه وضعیت اجتماعی - اقتصادی مردم، موفقیت در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی - نفوذ اسلامیستها هم کاهش یافت. نتیجه انتخابات شهری (Municipal - مترجم) نشانه آشکار این روند در جنوب کردستان است. اسلامیستها که در انتخابات شهری اواسط سالهای دهه 90 تا 18 درصد آرا را بدست آورده بودند در انتخابات سالهای 2001 - 2000 موفق به کسب تنها 3 درصد آرا شدند. لازم به یادآوری است که برای اسلامیستها شرکت در انتخابات دولتی تنها یکی و آنهم اهرمی غیر قاطعانه برای تاثیر گذاشتن بر حیات سیاسی منطقه کردها است. اسلامیستها چون نیرویی رادیکال - افراط گرا به اشکال و شیوه‌های سنتی مبارزه‌شان تکیه کرده و خواهند کرد. حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان تا حدی به خاطر ملاحظاتی درمقابله با اسلامیستها محدود شده‌اند: از یک طرف آنها سرچشمه خطر را می بینند، و از سوی دیگر مشکل حفظ مناسبات طبیعی با ایران، سوریه و همچنین ترکیه و لیبی که هر یک از آنها دارای ارتباط هایی با سازمانهای نامبرده هستند آنها را از انجام اقدامات قاطعانه علیه نیروهای فوق الذکر باز می دارد.

خودمختاری جنوب کردستان در پروژه دولت فدراتیو عراق اولین تلاش برای حل مساله ملی در چنین سطحی در کل شرق مسلمان است. در همین مورد لازم به تاکید است که پیامد خودمختاری جنوب کردستان برای منطقه‌یی که در آن انبوهی از مشکلات ملی به صورتی حل نشده باقی مانده است بیشتر موجب نگرانی نیروهای مختلف (هم سکولار و هم مذهبی) می شود تا خود خودمختاری در جنوب کردستان که دیگر تبدیل به یک واقعیت مسلم شده است. تصادفی نیست که ترکیه با توجه به حاد بودن مساله کرد در آنجا، فعال تر از همه علیه این روند عمل می کند، بر همین اساس افراطی های جنوب کردستان نه تنها از سوی اسلامیستهای ترکیه بلکه از سوی دولت ترکیه نیز پشتیبانی می شوند.

عامل دیگری که موجب نگرانی اسلامیستها می شود این است که الگوی جنوب کردستان می تواند موجب پیش آمدهایی ناخواسته در شرق مسلمانان گردد، جایی که عامل سنت اسلامی مقدم بر عامل ملی بوده، بر همین مبنا تاکنون از پیش آمدن مشکلات جدیدی که بر بستر مسائل ملی باشد جلوگیری شده است.

دورنمای نقش عامل اسلام در کردستان نه در کل آن، بلکه بویژه در جنوب آن چگونه خواهد بود؟ تشریح و شناخت عواملی که به آنها پرداخته شد ما را به این نتیجه می رساند که خلاصی کامل از خطر بنیادگران و افراط گرایان اسلامی به همین سادگی نخواهد بود. یکسری علتها برای توجیه این امر وجود دارد که عمدهترین آنها عبارتند از: حل نشدن مسائل مزمنی چون مشکلات اجتماعی - اقتصادی و همچنین ملی - سیاسی که بستر مساعدی برای افراط گرایان اسلامی بوجود آورده است.

یکسری عوامل با خصوصیت‌های متضاد وجود دارد که احتمال اسلامی شدن حیات اجتماعی - سیاسی کردستان را زیر سوال می‌برند. این امر که جامعه گذشته و کنونی کردستان بنابر اقرار مسلم متخصصین، بر مبنای مذهبیت و از آنهم فراتر تعصب‌گرایی متمایز نمی‌شود ما را بیشتر به نتیجه فوق می‌رساند. همچنین تاریخ گذشته هیچ داده‌یی بر نقش مثبت عامل اسلام در رشد و تکامل مبارزه کردها برای کسب حق تعیین سرنوشتشان نمی‌دهد. در آخر، لازم است به این مساله توجه شود که صرفنظر از رشد نقش عامل اسلام و ظهور و تاثیرات مختلف آن، تلاش برای تشکیل یک دولت سیاسی بر پایه قانون و جزم شریعت به شکست انجامیده و خواهد انجامید(افغانستان، تحولات رژیم تئوکراتیک ایران و غیره). آشکار است که اکنون در ایران و یکسری از کشورهای عربی تفکرات اصلاح طلبانه روحانیون اسلامی به نیرویی جدی تبدیل شده، با بخش افراطی و محافظه‌کار اسلام مقابله می‌کند.

مبنا قرار دادن جامعه مدنی که جای مهمی در تغییرات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جنوب کردستان دارد یکی از شرایط مهم جلوگیری از تثبیت رادیکالیسم اسلامی در اشکال مختلف آن در این منطقه است.

منابع

1. لیونید شیبارشین. اسلام (نگاه کنید به "روزنامه همگانی" 30.06، 6.12.2000)
2. پ. سویتکوف. جهاد در قرآن و زندگی، س. پترزبورگ، 1912، ص. 19.
3. آ. کاروویکوف. افراط‌گرایی اسلامی در کشورهای عربی، سال 1990، ص. 30.
4. ج. پ. پیسکاتوری. اسلام در روند سیاسی. کمبریج، 1983، ص. 13.
5. ایزویستیا، 8.8.2002
6. خ. آرشارونی، ز. گابیدولین. مقاله پان اسلامیسیم و پان ترکیسیم در روسیه، 1931، ص. 5.
7. نگاه کنید به "امت" اسلامی ام. پیوتروفسکی، نهضت نبوتی در عربستان در سده هفتم، مجموعه ("اسلام، مذهب، جامعه، دولت") 198.
8. برنامه حزب اسلامی کردستان(نگاه کنید به ام. حسرتیان، "مساله کرد در ترکیه"، سال 2001، ص. 207-208).
9. همانجا.
10. همانجا.
11. همانجا.

12. بیانیه فوق العاده اتحادیه میهنی کردستان، 19.09.2001، در رابطه فعالیت‌های " جندالاسلام"، ص. 1.

13. همانجا.

14. همانجا.

15. همانجا.

پی نوشته‌های مترجم

*پروفسور شاکر خودویوچ محوی (1930 - 2007) در 12 آوریل سال 1930 میلادی در یک خانواده کرد ایزدی در روستای آلاگیاز (Alagyaz) ارمنستان بدنیا آمد، خانواده او در اواسط قرن نوزدهم برای رهایی از یورشهای مداوم گزمنگان ترک و قتل عامهای دستجمعی کردها در ولایت قارص وادار به مهاجرت به ارمنستان شدند. او در سال 1948 مدرسه متوسطه را در زادگاه خود به پایان رساند. در سال 1985 میلادی موفق به کسب درجه پروفیسوری شده، در سال 1996 عضو رسمی آکادمی علوم ارمنستان شد. پروفیسور محوی از جمله معاون رداکتور روزنامه کردی "ریا تازا" - راه تازه" (سال 1956)، استاد تاریخ کردستان و کشورهای عربی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه دولتی ارمنستان (1968 - 1994)، مدیر شعبه کردشناسی انستیتوی شرق شناسی آکادمی علوم ارمنستان (1981 - 1994)، یکی از موسسین و مدیر مرکز تحقیقات کرد در مسکو (سال 1994)، و مولف 10 کتاب و بیش از صد مقاله و رساله علمی در رابطه با مسائل کرد و کردستان و از جمله یکی از مولفین کتاب ارزشمند "تاریخ کردستان" است. با نهایت تأسف پروفیسور شاکر خودویوچ محوی در 1 فوریه سال 2007 در سن 77 سالگی بطور ناگهانی درگذشت. (مترجم - منبع: سایت مرکز کرد در مسکو)

**واژه اتنیک در زبان فارسی " قوم" و "قومی" ترجمه شده است. با توجه به اینکه معادل فارسی آن دربرگیرنده معنی و مفهوم واقعی آن نیست در اینجا همان واژه اتنیک بکار برده شده است.

***Passionarnost(Пассионарность)، از واژه لاتین - Passion (اشتیاق و علاقه شدید، احساسات تند و شدید، تعصب شدید) گرفته شده است. لیف نیکلایویچ گومیلیوف (Лев Николаевич Гумилёв - 1912 - 1992) تاریخ شناس - مردم شناس روس، دکتر در علم تاریخ و جغرافیا، شاعر، مترجم زبان فارسی و بنیانگذار تئوری اشتیاق تکوین قومی، در کارهای علمی خود، این واژه را برای بیان اشتیاق شدید مردم جهت رسیدن به خواسته‌ها و اهدافشان به کار برده است. - مترجم

منبع سایت راقه: www.rave-online.org